

(دعاوی مشمولان ماده ۹۸۹ در دادگاه دعاوی ایران - ایالات متحده (لاسه))

(ممنوعیت استملاك اموال غیر منقول برای بیگانگان در ایران)

جعفر نیایی

در گزارش تحقیقی حاضر، توضیحاتی به اجمال^۱ و با حفظ اسرار حرفه‌ای نوشته‌ام.^۲ علاقه‌مندان می‌توانند تفصیل آن را، با اندکی انتظار،^۳ و پس از اقتضای وجود، در یادداشت‌های روزانه من، تحت عنوان: «وقایع روزانه مأموریت طولانی ۱۵ ساله در لاسه (هلند) در ارتباط با دادگاه دعاوی ایران - ایالات متحده امریکا»، بخوانند.

دستنویس این یادداشت‌ها را که بالغ بر ۲۷ مجلد است، همراه با کپی مدارک و اسناد، نزدیکی از مراجع معتبر جهان به امانت نهاده‌ام تا پس از آن که نقد حیات را به خازن ارواح تسلیم نمودم و عاملان ملك الموت روح مرا به مالکان دوزخ سپردند،^۴ چاپ و منتشر شود.^۵ ظاهراً، انتظار برای خواندن آن «۲۷ مجلد، با توجه به سنین عمرم که از ۹۰ فراتر رفته است، چندان طولانی نخواهد بود.

مقدمه

بعد از امضای بیانیه حل و فصل دعاوی بین ایران و ایالات متحده در ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ (بیانیه الجزایر) و تشکیل دادگاه رسیدگی به دعاوی ایران - ایالات متحده، عده‌ای از ایرانیان مقیم امریکا، به استناد داشتن تابعیت امریکایی، دادخواست‌هایی علیه دولت ایران و مؤسسات وابسته به آن، به دادگاه تسلیم نمودند و به ادعای مصادره شدن اموال خود، مبالغی جمعاً حدود سه میلیارد و نیم دلار مطالبه کردند. دولت ایران دادگاه را برای رسیدگی به دعاوی این افراد صالح نمی‌دانست و استدلال می‌کرد که آنان تبعه ایران هستند و طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، نمی‌توانند علیه دولت متبوع خود در این دادگاه اقامه دعوا نمایند؛ بر تقدیر آن که تابعیت امریکایی تحصیل کرده باشند، تابعیت امریکایی آنان چون بدون رعایت مقررات قانونی (بدون ترك تابعیت ایران) تحصیل گردیده است، طبق ماده ۹۸۹ قانون مدنی، کان لم یکن بوده و به هر حال، علیه دولت ایران معتبر شناخته نمی‌شود؛ لوفرضنا جدلاً که معتبر

۱. من از مفصل آن جمله، مجملی گفتم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.
۲. اسناد و مدارکی که در تنظیم گزارش تحقیقی حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از طریق مجاز تحصیل شده است.

۳. گفت مشتاقی که شوق انتظار هست گاهی بهتر از دیدار یار

۴. بودیم و کسی پاس نمی‌داشت که هستیم. باشد که نباشیم و بدانند که هستیم

۵. ماهی به بطی بگفت اندر تب و تاب. شاید که به جوی رفته باز آید آب

بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب. دنیا پس مرگ ما چه طوفان چه سراب (Après moi le déluge)

شناخته شود، در این فرض هم طبق کنوانسیون ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ لاهه راجع به پاره‌ای مسایل مربوط به تعارض قوانین تابعیت»:

يك کشور نمی‌تواند از تبعه خود علیه کشوری دیگر، که او هم آن شخص را تبعه خود می‌شمارد، حمایت دیپلماتیک نماید.^۶

علاوه بر این، دولت ایران به فصل هفتم عهدنامه موقت و تجارت بین ایران و امریکا مورخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۳ (۱۳ دسامبر ۱۸۵۶) اشاره می‌کرد که در آن، تصریح شده: مأمورین سیاسی و قنصل‌های اتا زونی نه بر خفا و نه بر ملا از اتباع ایران حمایت نخواهند کرد.^۷

و چنین استدلال می‌کرد که چون دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده يك مرجع بین‌المللی است^۸، اتباع مضاعف دو دولت نمی‌توانند به اعتبار حمایت سیاسی یکی از دو دولت، علیه دولت دیگر اقامه دعوا نمایند؛ کما این که نماینده رابط^۹ ایالات متحده نیز قبل از این، به مناسبتی دیگر، اظهار داشته که این دیوان، دیوانی است که بر اساس حمایت سیاسی اتباع تشکیل شده است و در دادخواست دولت ایالات متحده هم که به امضای آرتور رواین نماینده رابط آن دولت در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۶۰ تسلیم دیوان شده، تصریح گردیده است که:

این دادخواست^{۱۰} پیرو بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر در رابطه با تصفیه دعاوی دولت ایالات متحده امریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران ... به ویژه بر طبق مفاد پاراگراف ۱ از ماده ۲ و مفاد پاراگراف ۳ از ماده ۳ بیانیه مزبور به منظور ادامه عمل در مورد حمایت سیاسی اتباع ایالات متحده، به عنوان پدر وطن و امین و نگهبان و نماینده آنها .. عرضه می‌شود.^{۱۱} علاوه بر این، نماینده رابط امریکا در شصت و چهارمین جلسه دیوان در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۶۱ توضیح داد که:

طرح این ادعا [دعوی ۸۶] بر اساس قیومت ایالات متحده نسبت به ادعای اتباع خویش و طبق برداشت سنتی این مفهوم در حقوق بین الملل عمومی صورت گرفته است.^{۱۲} دولت امریکا در جواب می‌گفت: چون این افراد تابعیت امریکا را تحصیل کرده‌اند و تبعه امریکا شمرده می‌شوند، مشمول تعریف تبعه در بیانیه حل و فصل دعاوی هستند و حق اقامه دعوا را دارند صرف نظر از این که تبعه ایران هم باشند یا خیر؛ به خصوص که در بیانیه ذکر نشده که خواهان نباید دارای تابعیت مضاعف باشد.

6 . Convention relative aux conflits de loi sur la nationalité, La Haye, 12 avril 1930, Société des Nations, document, 1930.

۷ . مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران، گردآوری غ. وحید مازندرانی، ط.، ۱۳۵۰ ش.، ص ۱۷۹.

۸ . «ماهیت حقوقی دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده از دیدگاه حقوق بین‌الملل، دکتر محسن محبی، مجله حقوقی، شماره ۱۸-۱۹، ص ۸۹.

9 . Agent.

۱۰ . دادخواست ایالات متحده، شماره ۸۶، معروف به دعاوی کوچک (Small Claims).

۱۱ . دیوان در صفحه دوم رأی شماره ۲- ۴۶۷/۴۶۸/۴۶۹/۴۷۱-۲۰۳ تصریح کرده است که: «طبق بند ۲ ماده ۶ بیانیه حل و فصل دعاوی، اختیارات نماینده رابط برای دولت وی ایجاد تعهد می‌کند».

۱۲ . صورت جلسه شصت و چهارمین جلسه هیات عمومی دیوان، بند ۱۰.

دولت ایران برای حل این اختلاف، در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۳ از هیأت عمومی دادگاه تقاضا نمود که با توجه به بند ۴ ماده ۶ بیانیه حل و فصل دعاوی، کلمه «تبعه» را تفسیر نماید. هیأت عمومی دادگاه پس از بررسی لوایح دو دولت و استماع نظرات آنان، با اکثریت ۵ رأی موافق در مقابل ۴ رأی مخالف، دارندگان تابعیت مضاعف را مشمول تعریف «تبعه» در بیانیه شمرده است^{۱۳} مشروط بر این که تابعیت مورد استناد آنان برای طرح دعوا در مقایسه با تابعیت دیگرشان، غالب و مؤثر باشد.^{۱۴} و در پایان رأی، اخطار مهمی^{۱۵} را به شرح زیر اضافه کرده است:

هرگاه دادگاه صلاحیت خود را براساس تابعیت غالب و مؤثر خواهان احراز کند، تابعیت دیگر می‌تواند همچنان ذریبط و مؤثر باشد.^{۱۶}

این اخطار مهم در رأی شعبه دوم دادگاه که ریاست آن با پیر بله،^{۱۷} رئیس اسبق دیوان عالی کشور فرانسه بود، به صورت روشن‌تری بیان گردیده است.

ما به استنتاج خود اخطار مهمی را اضافه می‌کنیم: این اخطار رویه‌ای است برای رد عادلانه صلاحیت در مواردی که خواهان از تابعیت دیگر خود، استفاده متقلبانه نموده باشد مانند این که تابعیت مؤثر یا^{۱۸} غالب خود را پنهان نماید تا بتواند از تابعیت دیگر خود منفعتی تحصیل نماید که آن منفعت جز از طریق تابعیت دیگر قابل تحصیل نمی‌بود.^{۱۹}

این شعبه در رأی دیگر خود، مجدداً درباره اخطار مهم توضیح داده است:

دادگاه در نظر می‌گیرد که آیا خواهان‌ها از تابعیت ایرانی خود برای کسب مزایایی که به موجب قوانین ایران مختص به اتباع ایران است، استفاده کرده‌اند؟ و یا این که رفتارشان چنان بوده که موجب عدم صدور حکم به نفع آنان گردد؟^{۲۰}

متن این آرای شعبه دوم در باب «اخطار مهم» گویاتر از متن رأی هیأت عمومی است و می‌رساند که هر آینه دادگاه تابعیت امریکایی خواهان را غالب و مؤثر تشخیص دهد، بعد از آن، توجه خواهد کرد به این که اگر خواسته او از جمله اموالی باشد که تحصیل آن جز با تابعیت ایرانی میسر نمی‌بود، در این صورت، دعوی او را مطرود خواهد نمود.

13 . IRAN-US Claims Tribunal Report (I.U.C.T.R.) , v5, 1984-1, Grotius Publications Limites, Cambridge, 1985, pp 251-337.

۱۴ . طبق رأی هیأت عمومی: «دادگاه در تعیین عوامل ذریبط به تابعیت غالب و مؤثر خواهان، معیارهایی از جمله: اقامتگاه معمولی - مرکز علائق مالی - همبستگی خانوادگی - مشارکت در زندگی اجتماعی و جهات دیگر را مطمح نظر قرار خواهد داد.» همان مأخذ، ص ۲۶۵-۲۶۶.

15 . Important caveat

۱۶ . رأی هیأت عمومی دادگاه در پرونده تفسیری الف ۱۸، صص ۲۵ و ۲۶.

17 . Pierre Bellet

۱۸ . شعبه دوم دادگاه در این رأی، همه جا، اصطلاح «تابعیت مؤثر و غالب» را به کار برده، جز در این جا که «تابعیت غالب یا مؤثر» ذکر کرده است. احتمالاً ممکن است سهواً قلم باشد.

۱۹ . IRAN-US C.T.R. , p ۲. (رأی شماره ۲-۱۵۷-۳۱ در دعوی ن. ۱. علیه بانک تجارت، مورخ ۲۹ مارس ۱۹۸۳)

۲۰ . رأی شعبه دوم دادگاه در دعوی برادران پ. علیه ایران.

بعد از صدور این آراء که موجب ناراحتی خواهان‌های دارنده تابعیت مضاعف گردید و کلاهی آنها با تهیه شهادت نامه‌های حقوقی از استادان امریکایی، به خصوص از پاره‌ای حقوقدانان ایرانی، ادعا کردند که در ایران، طبق ماده ۹۶۱ قانون مدنی، اتباع خارجی از حقوق مدنی متمتع هستند مگر حقوقی که مطابق بند اول از بندهای سه گانه این ماده:

قانون آن را منحصر به اتباع ایران نموده یا آن را از اتباع خارجه سلب کرده باشد.

این و کلا با استناد به شهادت نامه‌های حقوقدانان ایرانی مقیم امریکا، ادعا می‌کردند در ایران هیچ قانونی وجود ندارد که استملاك اموال غیرمنقول را برای بیگانگان منع کرده یا آن را به اتباع ایران اختصاص داده باشد.

در مقابل این نفی و انکار خواهان‌ها، بار اثبات وجود قانون بر دوش دولت ایران بود که می‌بایستی آن را به دادگاه ارائه نماید،^{۲۱} و گرنه از این جهت مانعی در مقابل دادگاه وجود نداشت که بتواند دعوی خواهان را مطرود اعلام نماید.

اما، با وجود جستجوی زیاد برای دسترسی به چنین قانون، نه در مجموعه قوانین وزارت دادگستری یافت شد و نه در کتابچه تنقیح قوانین. فقط چند نوشته به دست آمد که در آن اخبار به ممنوعیت شده است، از جمله:

۱. از آیه شریفه ۱۴۱ در قرآن کریم،^{۲۲} و نیز از شماره ۶ تا ۱۰ باب سی و ششم در تورات مقدس (عهد عتیق)^{۲۳} استنباط می‌شود که آن چه موجب سلطه خارجی گردد، جایز نیست؛ تملك اموال غیرمنقول توسط بیگانگان موجب سلطه سیاسی و دست کم، موجب سلطه اقتصادی آنان است کما این که در غالب کشورهای، از جمله در ایالات متحده^{۲۴} بیش و کم، ممنوعیت و محدودیت استملاك برای بیگانگان وجود دارد.

۲. در اخباری که استراجی مبلغ کاتولیک رومن، ساکن اصفهان، برای سر جان ملکم سفیر انگلیس نوشته و وی برای کمپانی هند شرقی فرستاده است، چنین نوشته شده:

در اواخر اکتبر ۱۷۹۵ دو نفر فرانسوی به اصفهان آمدند و اجازه خواسته بودند که در بندرعباس یا جای دیگر بناهایی بسازند اما آقا محمدخان به این پیشنهاد روی خوش نشان نداد.^{۲۵}

۳. سر جان ملکم در سال ۱۲۱۴ قمری با فتحعلیشاه مذاکره نمود و کوشش کرد این امتیاز را به دست آورد که اتباع انگلیس حق ساختن خانه در تمام شهرهای ایران داشته باشند. ولی این پیشنهاد را دولت نپذیرفت.^{۲۶}

۲۱ . البینه علی المدعی والیمین علی من انکر.

۲۲ . وان يجعل الله للکافرین علی المومنین سیبلا (و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان سلطه نمی‌دهد).

۲۳ . آن چه خداوند درباره دختران صلفحاد فرموده این است بگذارید با مردان دلخواه خود ازدواج کنند، ولی به شرط آن که این مردان از قبیله خودشان باشند. به این طریق هیچ قسمتی از زمین‌های قبیله ... به قبیله دیگر منتقل نخواهد شد ... این دختران با پسر عموهای خودشان ازدواج کردند. بدین ترتیب ... میراث آنها در قبیله خودشان باقی ماند.

24 Federal and State disclosure requirements and restriction in connection with U.S. acquisition by foreign purchasers, REAL PROPERTY, PROBATE AND TRUST JOURNAL, pp 202-26.

۲۵ . حقوق بگیران انگلیس در ایران، اسماعیل رائین، چاپ ششم، ۱۳۵۶ ش. ص ۸۳، به نقل از اوراق لرد وبل، مجله آسیای مرکزی، سال ۱۹۳۰ و نیز جلد ۲۵۶ گزارش و نامه‌های کمپانی هند شرقی (Indian office).

۲۶ . گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، جلد دوم،

۴. دکتر صالح العقاد از قول میرزا محمد شفیع بند^{۲۸} صدراعظم فتحعلیشاه نقل کرده است که وی:
- در برابر فشار انگلیسی‌ها که می‌خواستند اراضی جزایر هنگام و قشم و خارک را برای ساختن پایگاه کوچک دریایی در اختیار داشته باشند، مقاومت کرد و به میرزا ملکم خان گفت که انگلستان از طریق همین پایگاه‌ها که در سواحل هندوستان برپا کرده بود، هندوستان را از پای انداخت.^{۲۸}
۵. میرزا تقی خان امیر کبیر صدراعظم ناصرالدین شاه در جواب نامه‌ای که سر جان جستن شیل^{۲۹} سفیر انگلیس در طهران به او نوشته و ادعا کرده که برادران حاج عبدالکریم و حاج عبدالرحیم تبعه انگلستان هستند، چنین نوشت:
- این دو برادر در ایران خانه و املاک بسیار خریده‌اند و حال آن که اگر تبعه خارجه می‌بودند حق تملک اموال غیر منقول نمی‌داشتند.^{۳۰}
۶. میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه در بند ۱۱ گزارش خود مورخ شوال ۱۲۷۳ راجع به اقداماتی که در طول پنج سال صدراتش تا آن تاریخ انجام داده است، می‌نویسد:
- ممنوع داشتن تبعه خارجه از نسبه کاری و خرید ملک در ایران.^{۳۱}
۷. سند شماره ۶۱۰ مورخ ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۰۴ وزارت امور خارجه حاکی است که:
- حکم کلیه دیوان اعلاب بر این جاری است که تبعه خارجه را در مملکت دولت علیه ایران اجازه داده نمی‌شود صاحب املاک و علاقه ملکی باشد.^{۳۲}
۸. در فصل یازدهم قرارداد امتیاز نامه دخانیات بین ایران و مازور تالبوت انگلیسی مورخ ۲۷ رجب ۱۳۰۷ (۲۰ مارس ۱۸۹۰) تصریح شده است که:
- صاحبان این امتیاز حق نخواهند داشت اراضی ابتیاع نمایند.^{۳۳}
۹. اعتماد السلطنه (محمدحسن مراغه‌ای) وزیر انطباعات ناصرالدین شاه، در روزنامه خاطرات خود، ضمن اخبار روز پنجشنبه ۳ شوال ۱۳۰۶ نوشته است:
- وزیر خارجه اعلان رسمی^{۳۴} فرستاده بود که در روزنامه رسمی چاپ شود، کسی املاک را به تبعه
-
- مقدمه، ص ۲۰.
۲۷. بند پی از نواحی بابل است.
۲۸. الاستعمار فی الخلیج فارس، دکتر صالح العقاد، ص ۳۵، نقل شده در: مبالغه استعمار، دکتر محمدعلی موحد، ص ۲۷.
۲۹. Sir Justin Sheil .
۳۰. نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت، فصلنامه ره آورد، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۹۷ به نقل از:
- Lambton, A.K.S.: "The case of Haji Abdol_Karim" in Bosworth, CE, Iran and Islam, Edinburgh University Press, 1971, p. B 37.
۳۱. حقوق بگیران انگلیس در ایران، مأخذ ذکر شده، فصل ۱۵، ص ۲۶۴، به نقل از مجله وزارت خارجه.
۳۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، مأخذ ذکر شده مجلد سوم، ص ۷۶۵.
۳۳. همان، ص ۳۳۸.
۳۴. با همه کوششی که به عمل آمد، متن این اعلان به دست نیامد.

خارجه نفروشد و نزد آنها گرو نگذارد.^{۳۵}

۱۰. وزارت امور خارجه ایران در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۷ (۱۴ مه ۱۹۲۷) نامه‌ای به وزیر مختار آمریکا در ایران نوشته و تذکر داده است که:

در مورد وضعیت اتباع ایالات متحده در ایران مقرراتی توسط دولت ایران وضع شده است. آنها به جز مواردی که منحصراً شامل اتباع ایران می‌شود و سایر خارجی‌ها از آن مستثنی هستند، از رفتار مشابه با اتباع ایران برخوردارند.^{۳۶}

متقابلاً در مورد اتباع ایرانی ساکن آمریکا، وزیر مختار آمریکا در نامه مورخ ۱۴ مه ۱۹۲۸ به وزارت امور خارجه ایران نوشت:

از تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ به بعد اتباع ایران ساکن آمریکا از تمام حقوق و امتیازات متعلق به اتباع آمریکا به استثنای حقوق و امتیازات مختص به اتباع آمریکا و لاغیر، برخوردار خواهند بود.^{۳۷}

۱۱. در جلسه روز پنجشنبه آخر خرداد ۱۳۰۹ مجلس شورای ملی، هنگام بحث درباره قرارداد دولت ایران با بانک شاهنشاهی (بانک انگلیس)، فرخی یزدی نماینده یزد گفت:

بر طبق قانونی و مقررات مصوبه هیأت دولت که اعلان هم شده است، اجانب حق تصرف املاک را ندارند.^{۳۸}

این نماینده مجلس نه نام قانون و مقررات مورد استناد خود را اظهار نموده و نه گفته است که در کجا اعلان شده است تا مراجعه به آن میسر باشد. افزون بر این، توجه نکرده است که «قانون» به مصوبات مجلس شورای ملی اطلاق می‌شود و هیأت دولت حق تصویب قانون را ندارد.

آن چه در بالا نقل گردید، اگرچه مؤید وجود ممنوعیت استملاك اموال غیرمنقول برای اتباع خارجه در ایران است، ولی حایز وصف «قانون» نیست بلکه اخبار به وجود قانون است؛ لاجرم، برای یافتن قانونی که حق استملاك را از اتباع خارجه سلب کرده باشد، به ادارات ذیربط مراجعه شد از جمله: معاونت حقوقی ریاست جمهوری - معاونت حقوقی وزارت امور خارجه - اداره حقوقی وزارت دادگستری - اداره حقوقی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - کانون سردفتران - کانون رسمی کارشناسان - کانون وکلای دعاوی [دادگستری] حتی: کنسولگری‌های ایران در شهرهای بادکوبه، تفلیس، مسکو، لندن و برلین که از قدیم دایر و محل مراجعه ایرانیان آن نواحی بود و قاعدتاً می‌بایست به علت ضرورت شغلی، نسخه‌ای از قانون مورد نیاز را در آرشیو قدیم خود داشته باشند، مراجعه شد؛ ولی همه اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و اداره حقوقی وزارت دادگستری جواب داد که هیچ قانونی در این باره وجود ندارد.^{۳۹}

۳۵ . روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه (محمدحسن مراغه‌ای)، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵ ش.، ص ۶۵۲.

۳۶ . اسناد معاهدات دو جانبه ابراین با سایر دول در دوران پهلوی‌ها، از انتشارات وزارت امور خارجه، جلد دوم، ص ۲۳، سند شماره ۱۰.

۳۷ . همان مأخذ، سند شماره ۵، ص ۱۳، بند ۳.

۳۸ . بانک شاهنشاهی و امتیاز، ع. دانشپور، چاپ دوم، آذر ۱۳۳۲، صص ۲۹ و ۳۰.

۳۹ . درست است که آیین نامه استملاك اتباع بیگانه مورخ دهم مرداد ۱۳۲۸ به اتباع خارجه مقیم ایران اجازه مشروط و محدود می‌دهد که اموال غیرمنقول در ایران خریداری نمایند، ولی این اجازه محدود است به احتیاج شخصی آنان (محل سکونت و کسب)، آن هم تا زمانی که به طور قانونی در ایران اقامت داشته باشند. آیین نامه مذکور در تبصره

اما، به رغم این جواب‌های منفی وجود چنین قانون محل تردید نبود به خصوص که نویسندگان^{۴۰} مقالات، رساله‌ها و کتب منتشر شده درباره قانون تابعیت، از جمله دکتر محمد مصدق،^{۴۱} بحث از قانونی کرده‌اند که تحت عنوان «قانون نامه تابعیت» در مجموعه‌ای به چاپ رسیده بود و بندهای ۱۲ و ۱۴ آن قانون تاکید بر ممنوعیت استملاک اموال غیرمنقول برای اتباع خارجه و اختصاص آن به اتباع ایران دارد. گذشته از این، نامه‌ای که مظفرالدین میرزا در زمان ولایتعهدی، در تاریخ «غره ربیع الاول ۱۳۱۲» به سفارت عثمانی، به شرح زیر نوشته است، وجود قانون نامه تابعیت را در آن زمان اثبات می‌کند:

گرامی مراسم جوابیه آن جذاب جلالت مآب مورخه ۱۴ شهر صفر ۱۳۱۲، نمره ۱۹۱۱ درخصوص قانون نامه تابعیت و اصل دست تکریم گردید.... با کمال احترام زحمت می‌دهد که قانون تابعیت فقط از امور داخله ایران است و مطلقاً به عهدنامه و مقاوله نامجات منعقدہ بین دولتین مغایر نیست و در این صورت بدیهی است که حق اعتراض برای سفارت دولت علیه عثمانی باقی نخواهد ماند.^{۴۲}

از متن این نامه چنین برمی‌آید که دولت ایران قبل از ربیع الاول ۱۳۱۲، مقرراتی به نام «قانون نامه تابعیت»^{۴۳} تنظیم و تصویب کرده و نسخه‌ای از آن را برای سفارت خانه‌های خارجی در ایران، از جمله سفارت عثمانی، فرستاده بود و این سفارت خانه با ملاحظه آن قانون، به دولت ایران اطلاع داده است که حق خود را برای اعتراض محفوظ می‌دارد.

به علت اطمینان به وجود قانون ممنوعیت استملاک اموال غیرمنقول برای بیگانگان، و به منظور یافتن نسخه‌ای از آن، از افراد دست اندر کار، که روزانه با قانون سر و کار دارند، مانند استادان حقوق، حقوقدانان و قضات عالی مقام، استمداد گردید.

نیک بختانه، دکتر اسدالله کازرونی^{۴۴} استاد عالیقدر دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران)^{۴۵} با

۷ ماده ۲ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک، مورد اشاره قرار گرفته و مورد تأیید مجلس واقع شده و اعتبار قانونی یافته است. همچنین است اجازه‌ای که به اتباع خارجه غیرمقیم، که مسافرت‌های فصلی به ایران می‌نمایند، داده شده است که برای خود، محل سکونت با رعایت شرایطی (با تأیید سازمان اطلاعات و امنیت کشور) خریداری نمایند. این هر دو اجازه، استثنایی است بر قانون کلی ممنوعیت استملاک اموال غیرمنقول برای اتباع بیگانه در ایران.

۴۰ . دکتر محمد مصدق، علاءالدین مرعشی، جواد عامری، ارسلان خلعت بری، دکتر محمد نصیری، دکتر محمود سلجوقی، دکتر بهشید ارفع نیا.

۴۱ . تابعیت در ایران، دکتر محمد مصدق، مجله آینده، دوره دوم، ۱۳۰۵ ش، صص ۲۶۱-۲۶۵.

۴۲ . گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، مأخذ ذکر شده، ج ۳، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۰۸ (آرشیو وزارت امور خارجه، کارتن ۲۴، پرونده ۳/ت).

۴۳ . اگرچه قانون نامه تابعیت باری تملک اتباع بیگانه در ایران وضع نشده است. بلکه موضوع آن تابعیت اشخاص است، ولی دو ماده آن صریحاً متضمن منع تملک اموال غیرمنقول به وسیله اتباع خارجه است (بنگرید به ضمیمه شماره ۱: قانون نامه تذکره و تابعیت و دستورالعمل کل تفتیس تذکره، چاپ دارالطباعة فاروس، ط، ۱۳۲۶ قمری، بیچنیل).

۴۴ . وی استادی است سخت کوش و با اطلاعاتی بسیار وسیع؛ و این امتیاز منحصر به فرد را دارد که رساله دکتری او در دانشگاه پاریس به عنوان بهترین رساله سال در فرانسه شناخته شده و برنده جایزه اول شده است.

۴۵ . از عنایات خاص خداوند متعال در حق استادان جلیل القدر، یکی این است که به آنان ظرفیتی بخشیده است تا آزاری را که از جانب فرومایگان رسیده، در برابر ستایشی که از خردمندان می‌بینند، به هیچ می‌شمارند (ولو کره المجرمون: الانفال، آیه ۸).

کوشش شایسته تجلیل، موفق شد که گره از کار فرو بسته ما بگشاید. وی در کتابخانه یکی از سفرای قدیم (... فتوحی دائی دانشجوی سابق کلاس درس او: مرتضی اخوت) مجموعه‌ای به دست آورد که در سال ۱۳۲۶ قمری (بیچنیل: سال میمون) تحت عنوان «قانون نامه تذکره با قانون تابعیت و دستورالعمل کل تفتیش تذکره» در «دارالطباعة فاروس» در طهران به طبع رسیده بود.

در صفحات ۱۱ تا ۱۵ این مجموعه، قانون مورد نیاز، به نام «قانون نامه تابعیت» شامل ۱۵ بند [ماده] چاپ شده که بندهای ۱۲ و ۱۴ آن، به شرح زیر، تاکید است بر ممنوعیت استملاك اموال غیر منقول برای اتباع خارجه در ایران و اختصاص آن به اتباع داخله:

بند دوازدهم:

نسوان ایرانی که به سبب ازدواج با تبعه خارجه از تابعیت ایرانیه خارج می‌شوند مثل سایر اتباع نصیب خواهند بود مگر آن چه را عهدنامهجات اجازه داده است.^{۴۶}

بند چهاردهم:

کسانی که از ممالک خارجه به مملکت ایران آمده و در مدت اقامت ایران گنم^{۴۷} تابعیت نموده و به تمام امور آنها مثل تبعه ایران رسیدگی شده باشد و یا در مملکت ایران ملک خریده باشند که این امتیاز مخصوص تبعه داخله است در این صورت از تبعه دولت علیه ایران محسوب خواهد شد و ادعای تبعه خارجه در حق آنها قبول نخواهد گردید.^{۴۸}

درباره قانون نامه تابعیت چند نکته قابل توجه است:

نکته اول: بندهای ۱۲ و ۱۴ قانون نامه تابعیت اخبار بر وجود حکم ممنوعیت است، نه بیان حکم

ممنوعیت

کلمه مثل در بندهای ۱۲ و ۱۴ به عنوان مثال برای ممنوعیت ذکر شده و می‌رساند که قبل از قانون نامه تابعیت، قانونی به طور مستقل در این باب وجود داشته است. شوربختانه آن قانون مستقل، به رغم تجسس بسیار، به دست نیامد؛ ولی خللی در بحث ما به وجود نمی‌آورد زیرا ممنوعیت استملاك، ولو به عنوان مثال، در ضمن قانون دیگر (قانون نامه تابعیت) تصریح و تاکید شده است و اعتبار قانون یافته و دارای همان اعتباری شده است که قانون مستقل دارد.

نکته دوم: تاریخ قانون نامه تابعیت

در مجموعه دارالطباعة فاروس که حاوی چندین قانون از جمله قانون نامه تابعیت است، تاریخ تمام

انا حمدت بین الافاضل سیرتی

فاهون بنقض جاه من عند ناقص

چون سوی معروف معروفی، چه باک

گر سوی جبال عالم، مذکری

۴۶ . در عهدنامه مودت ایران و ایالت متحده مورخ ۲۳ مرداد ۱۳۳۴ (۱۵ اوت ۱۹۵۵) به جای اجازه تملك اموال غیر منقول برای اتباع ایالات متحده در ایران، اجازه اجاره قید شده است. ماده ۵ عهدنامه می‌گوید: «اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین در قلمرو متعاهد دیگر مجاز خواهد بود که در مدت‌های متناسب اموال غیر منقول لازم را برای سکونت یا فعالیت‌های ناشی از عهدنامه [محل کسب] اجاره نمایند.» منظور از مدت مناسب این است که از اجاره برای مدت‌های طولانی، که نوعی سلطه مالکیت به وجود می‌آورد، جلوگیری شود (رجوع شود به تقریرات درس دکتر مرتضی نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه طهران، دوره فوق لیسانس حقوق خصوصی، سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷).

۴۷ . پنهان داشتن، پوشیده داشتن.

۴۸ . مجموعه فاروس، مأخذ ذکر شده، صص ۱۴ و ۱۵.

قوانین ذکر شده است به جز قانون نامه تابعیت که فاقد تاریخ است. تنها می توان گفت که چون تاریخ چاپ این مجموعه به حکایت تاریخ پشت جلد آن، ۱۳۲۶ قمری است پس تاریخ قانون نامه تابعیت، قبل از آن تاریخ این مجموعه (۱۳۲۶) می باشد.

اما کسانی که راجع به تابعیت در ایران، مقاله یا رساله و کتاب نوشته اند هریک به حدس و گمان، تاریخی برای قانون نامه تابعیت ذکر نموده اند از جمله: دکتر محمد مصدق، ۱۳۱۳ ق. علاء الدین مرعشی، ۱۳۲۴ ق. جواد عامری و ارسلان خلعت بری، ۱۳۱۷، دکتر محمد نصیری و دکتر محمود سلجوقی، جمادی الثانی ۱۳۲۴.

نیک بختانه، این روزها که تقریرات درس حسن مشیرالملک^{۴۹} (مشیرالدوله بعدی، پیرنیا) را مطالعه می کردم، در صفحه ۳۳۰ برخوردیم به تاریخ صحیح قانون نامه تابعیت؛ بدین توضیح که مشیرالملک در باب ششم درس خود که اختصاص به تابعیت دارد و فصل ۱۵ آن راجع به تابعیت اشخاص است، می گوید:

شرایط تملل ایران موافق قانون نامه تابعیت ۱۱۳۱ [ق] این طور معین شده است...^{۵۰}
متن مواد قانونی که مشیرالملک در درس خود گفته و شرح داده است، بدون یک کلمه کم و بیش بلکه «طبق النعل بالنعل» با متن مواد قانون نامه تابعیت در مجموعه فاروس یکسان می باشد.^{۵۱}
به طوری که با قاطعیت می توان گفت که مواد قانون در هر دو متن یکی است و نتیجتاً بدون تردید، با توجه به تاریخ نامه مظفرالدین میرزا، تاریخ قانون نامه، ۱۳۱۱ قمری می باشد.

نکته سوم: ادامه اعتبار قانون نامه تابعیت

اگرچه قانون نامه تابعیت در سال ۱۳۱۱ ق در نظام استبدادی (قبل از مشروطیت) به موجب فرمان ناصرالدین شاه صادر شده است، ولی نمی توان گفت بعد از استقرار نظام پارلمانی اعتبار خود را از دست داده است و قابل استناد نیست زیرا در حقوق بین الملل، طبق اصل جانشینی، بعد از تغییر دولت یا تغییر نظام حکومتی، فرامین پادشاهان که در دوره آنان (دوره استبداد) صادر شده بودند. همچنان معتبر به شمار می آیند و دارای همان اعتباری هستند که قانون در نظام پارلمانی دارا می باشند کما آن که در مجموعه فاروس که در سال ۱۳۲۶ ق (بعد از مشروطیت) چاپ و منتشر شده است، قانون نامه زمان استبداد (ناصرالدین شاه) نیز در آن به چاپ رسیده و نشانگر آن است که همچنان معتبر بوده است. افزون بر این:

۱. دکتر محمد مصدق در پایان مقاله خود که به سال ۱۳۰۵ ش. (۱۳۴۵ ق.) در مجله آینده نوشته،

۴۹. حسن مشیرالملک در آن زمان رئیس کابینه (رئیس دفتر) وزارت امور خارجه، در دوره وزارت پدرش میرزا نصرالله نائینی (مشیرالدوله) بود. وی با استغاف از نفوذ پدر، مدرسه علوم سیاسی را در سال ۱۳۱۷ قمری برای تربیت کادر سیاسی دولت، در طهران تاسیس نمود و علاوه بر ریاست آن، تدریس حقوق بین الملل را در کلاس های اول و دوم اولین دوره مدرسه به عهده داشت. این مدرسه در سال ۱۳۰۷ ش. با افزودن رشته های جدید، به: دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تغییر نام داد.

۵۰. متنبند اول قانون نامه تابعیت در مجموعه فاروس عیناً در صفحه ۱۳۱۴ تقریرات درس مشیرالملک دیده می شود. همچنین: بند دوم در صفحات ۳۱۳ و ۳۱۴ - بندهای سوم تا پنجم در صفحه ۳۳۰ - بند ششم در صفحات ۳۱۵ و ۳۱۶ - بند هفتم در صفحات ۳۱۶ و ۳۳۰ - بند هشتم در صفحه ۳۲۱ - بندهای نهم و دهم در صفحه ۳۲۲ - بند یازدهم و دوازدهم در صفحه ۳۳۰ - بندهای سیزدهم تا آخر در صفحات ۳۰۰ و ۳۰۱ تقریرات مشیرالملک دیده می شود.

۵۱. حقوق بین الملل خصوصی، ارسلان خلعت بری، مأخذ ذکر شده، ص ۷۹.

تصریح نموده است که:

این است دست خط تابعیت که تاکنون در وزارت امور خارجه مجرا است.^{۵۲}

۲. به حکایت رأی هیأت داوری بین المللی در قضیه سالم، مورخ ۸ ژوئن ۱۹۳۲ (۱۸ خرداد ۱۳۱۱)، دولت مصر در يك مورد برای اثبات ادعای خود، به بند ۷ قانون نامه تابعیت ایران (قانون نامه ۱۳۱۱ ق.) استناد نموده است و از متن رأی چنین استنباط می شود که دولت امریکا و هیأت داوری ادامه اعتبار قانونی آن را مورد تردید قرار نداده اند.^{۵۳}

۳. دادگاه دعاوی ایران ایالات متحده هم دوام اعتبار قانون نامه تابعیت ۱۳۱۱ قمری را در آرای خود مورد قبول و تأیید قرار داده است؛ از جمله شعبه دوم دادگاه به ریاست پروفیسور کریستوف اسکویبشفسکی، استاد دانشگاه پزنان (لهستان) وزیر امور خارجه در دولت لخ والسا، قاضی الحاقی در دیوان بین المللی دادگستری (قاضی الحاقی پرتغال) و عضو برجسته آکادمی حقوق بین الملل، که ریاست کل دادگاه دعاوی ایران ایالات متحده را نیز به عهده دارد، در رأی شماره ۲-۴۱۹-۵۶۹ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۹۶ (۱۶ اسفند ۱۳۷۴)^{۵۴} به قانون نامه تابعیت استناد کرده و به شرح زیر تاکید نموده است که طبق قانون نامه مذکور، اتباع بیگانه در ایران از استملاك اموال غیر منقول ممنوع هستند و این حق اختصاص به اتباع ایران دارد:

۱-۳- خواننده [دولت ایران] در اثبات اظهارات خود مبنی بر این که حق تملك اموال غیر منقول مختص اتباع ایران است، علاوه بر قانون مدنی، به قانون نامه تابعیت دولت علیه ایران، فرمان سلطنتی سال ۱۲۸۵ شمسی [۱۳۲۴ قمری] استناد می نماید. بخش های ذیربط قانون مذکور به شرح زیر است: بند هشتم، بند نهم، بند دوازدهم و بند چهاردهم^{۵۵} [دادگاه متن این بندها را نقل کرده است].

۲-۳- قوانین ایران حاکی است که حق تحصیل اموال غیر منقول در ایران، طبق قوانین ذیربط مختص اتباع ایران است. بنابراین اساس، دیوان نظر می دهد که خواهان فقط به عنوان تبعه ایران می توانست اموال مورد بحث را تحصیل نماید.^{۵۶}

۳-۳- خواهان که تبعه دوگانه بوده و تابعیت غالب و موثر وی، تابعیت ایالات متحده است برای مطالبه غرامت بابت سلب مالکیت ادعایی زمین های خود، دعاوی خویش را در محضر این دیوان به عنوان تبعه ایالات متحده اقامه کرده است. استفاده وی از تابعیت دیگر، یعنی خرید اموال غیر منقول به عنوان تبعه ایران، چنان که در اخطار الف ۱۸ پیش بینی گردیده، در ماهیت دعاوی مؤثر در مقام است.^{۵۷}

۵۲ «تابعیت در ایران» دکتر محمد مصدق، مأخذ ذکر شده، ص ۲۶۱.

53 Award in the Arbitration case between the Government of the United States of America and the Government of his Majesty the King of Egypt concerning the Claim of George J. Salem, Reports of International Arbitral Award, vol. 2, U.N. 1974 p. 1188, see also: Professor IAN BROWNLIE, THE PRINCIPAL OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW, 4th Edition, 1990, p. 400.

۵۴ . رأی شماره ۲-۴۱۹-۵۶۹، ترجمه فارسی صفحات ۵۹ و ۶۰ بند ۱۵۷.

۵۵ . همان، ص ۶۱، بند ۱۵۹.

۵۶ . همان، ص ۶۱، بند ۱۶۰.

۵۷ . همان، ص ۶۱، بند ۱۶۱.

۳-۴- به طوری که دیوان نتیجه گیری کرده، طبق قوانین ایران، حق تحصیل اموال غیرمنقول در ایران، مزیتی است مختص اتباع ایران. بنابراین، دیوان ناگزیر است بپذیرد که خواهان کلیه اموال موضوع دعاوی حاضر را به عنوان تبعه ایران خریداری کرده است و اینک به عنوان تبعه ایالات متحده بابت آنها اقامه دعوا می کند. اگر دیوان در چنین وضعیتی اجازه دهد که خواهان از خواننده غرامت بگیرد، این عمل به منزله تجویز سوء استفاده از حق خواهد بود. در نتیجه اخطار مندرج در تصمیم پرونده الف ۱۸؛ ناگزیر خواهان را از دریافت خسارت ممنوع می نماید.^{۵۸}

۳-۵- دادگاه در پایان رأی اضافه کرده است:

دیوان نظر می دهد که اخطار مندرج در تصمیم پرونده الف ۱۸، مانع از آن است که خواهان که به عنوان تبعه ایالات متحده امریکا دعاوی حاضر را اقامه کرده، بابت دخالت خواننده [دولت ایران] در حقوق مالکیت اموالی که طبق قوانین ایران خواهان فقط به عنوان تبعه ایران می توانست تحصیل کند، از خواننده غرامت بگیرد.^{۵۹}

نکته چهارم: استثنائات

اگرچه در ایران تملک اموال غیرمنقول برای اتباع بیگانه، به طور کلی، ممنوع است ولی چند استثناء هم دارد از جمله:

۱. به اتباع خارجه مقیم ایران اجازه داده می شود، تحت شرایطی، فقط برای محل سکونت و کسب خود، در حد احتیاج شخصی، ملک خریداری نمایند (رجوع شود به توضیحات زیرنویس شماره ۳۱ صفحه ۷ یا داداشت حاضر).

۲. به اتباع خارجه غیرمقیم ایران که به منظور سیاحت و استفاده بیلاقی، مسافرت های منظم فصلی در سنوات متعدد و متوالی به ایران می نمایند،^{۶۰} تحت شرایطی اجازه داده می شود محل مسکونی برای سکونت شخصی، تملک نمایند (رجوع شود به مجله حقوقی، شماره ۲۲، ط. ۱۳۷۹، صفحات ۲۲۱ تا ۲۹۷).

۳. چون حکم ممنوعیت استملاک برای اتباع خارجه مبتنی بر قانون است، هرگونه استثناء و عدول از قانون، منوط به اجازه قانونگذار است زیرا همو که ممنوع کرده است، همو می تواند هرگونه استثناء را اجازه دهد. بنابراین، اجازه استثناء فقط با تصویب قوه مقننه میسر است و قوه مجریه (هیات وزیران، وزیران و سایر مقامات مملکتی) صلاحیت و اختیاری ندارند که جزئا یا کلا به اتباع خارجه اجازه تملک اعطاء نمایند. کما آن که تصویب آیین نامه مورخ ۱۹ آذر ۱۳۷۴ هیات وزیران راجع به «چگونگی تصرف اموال غیرمنقول توسط اتباع خارجه غیرمقیم در ایران»، چون خارج از اختیارات هیات وزیران بود، نویسنده یادداشت حاضر، بدون آن که ناقه و شتری در آن قضیه داشته باشد، بلکه صرفا به خاطر لزوم پاسداری از حرمت قانون که از الزامات شغل دانشگاهی او است.^{۶۱} در مقام اعتراض بر آمد و نامه ای همراه با لایحه ای مفصل و مستند برای هیات وزیران و نسخه ای از آن برای وزارت امور خارجه (معاونت حقوقی که تهیه کننده متن

۵۸. همان، ص ۶۲، بند ۱۶۲.

۵۹. همان جا.

۶۰. از جمله: شیوخ عرب و ثروتمندان ساحل جنوبی خلیج فارس.

۶۱. شادروان جلال الدین همائی استاد عالیقدر دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در شعری که برای سرود این دانشکده سروده است تاکید کرد: «حافظ حق اگر هست مائیم.»

تصویب نامه بود) فرستاد و راهنمایی نمود که «عاقلانه‌ترین» کار این است که هیات وزیران این تصویب نامه را که مغایر با اصل یکصد و سی و هفتم قانون اساسی است، لغو کند و به صورت لایحه، تسلیم قوه مقننه نماید تا پس از تصویب، اعتبار قانونی پیدا نماید و قابل اجرا گردد. اما، آوایی بر نیامد؛ و توسل به رئیس وقت مجلس شورای اسلامی^{۶۲} نیز گرهی نگشود. لاجرم، در تاریخ دهم آبان ۱۳۷۶ از این دیار غریب، به استناد اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی، دست انابت به امید اجابت به سوی دیوان عدالت دراز کردم.

نیک بختانه، چنان که انتظار می‌رفت، دیوان عدالت پس از بررسی، در جلسه مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۸ هیات عمومی، که با حضور حجه الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی رئیس دیوان، رؤسای شعب بدوی، رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر، تشکیل گردیده بود، پس از استماع مدافعات نمایندگان دولت، و بحث و بررسی و مشاوره، شکایت مرا وارد دانست و چنین رأی داد:

نظر به این که اعطای هر گونه امتیاز خاص به اتباع بیگانه از جمله تملك اموال غیرمنقول در قلمرو جغرافیایی ایران، منوط بر حکم صریح قانونگذار است. بنابراین، آیین نامه مورد اعتصار خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستندا به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان اداری ابطال می‌شود.^{۶۳}

زبان ز نکته فرو ماند و راز من باقی
بضاعت سخن آخر شد و سخن باقی
این حکایت را که نقد جان ما است
گر تمامش می‌کنم این جا روا است
گزارش تحقیقی حاضر به پایان نخواهد رسید مگر آن که سپاسگزاری^{۶۴} نمایم از:

۱. دکتر اسدالله کازرونی استاد عالیقدر دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی ایران) که با کوشش قابل تجلیل، توانست نسخه‌ای از «قانون نامه تابعیت» مورخ سال ۱۳۱۱ قمری را به دست آورد و دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تسلیم آن به دیوان دعاوی ایران - ایالات متحده مانع زیان بیشمار دولت ایران گردد.

به یقین وطن نسبت به خدمتگزاران خود حق شناس و ذاکر خیر خواهد بود.^{۶۵} (الانعام، آیه ۹۰)
۲. دکتر گودرز افتخار جهرمی استاد ارجمند و رئیس دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
(دانشگاه ملی ایران)، که در مقام ریاست دفتر خدمات حقوقی جمهوری اسلامی ایران، از راه لطف تسهیلات فراوان برای تهیه اسناد و مدارک لازم جهت تنظیم گزارش تحقیقی حاضر فراهم کرده است و اگر مساعدت‌های ذیقیمت وی نبود، این گزارش به ثمر نمی‌رسید.
من به سر منزل عنقانه به خود بردم راه
قطع این مرحله با مرغ سلیمان کردم

سانتا مونیکا، ۲۸ شهریور ۱۳۸۷

۶۲. به استناد اصل یک صد و سی و هشتم قانون اساسی.

۶۳. دادنامه شماره ۳۶۲ مورخ ۳۰ بهمن ۱۳۷۸، چاپ شده در روزنامه رسمی کشور، شماره ۱۶۰۶۴ مورخ ۴ اردیبهشت ۱۳۷۹، صص ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷ (بنگرید به ضمیمه شماره ۳)

۶۴. سپاسی ز دامان گل پاک تر
ز آوای بلبل طربناک تر

۶۵. در بالای درب ورودی مسجد یا نتون، مقابل دانشکده حقوق دانشگاه پاریس، که بزرگان فرانسه در آن مدفون هستند، نوشته شده است:

Aux grands homes le pays est reconnaissant. (وطن نسبت به خدمتگزاران خود حق شناس است).